



۲۰۱۳/۱۰/۱۳



جلیل غنی

## نقش اقوام در انتخابات ریاست جمهوری

درین روزها بازار سیاست با ثبت نام کاندیدان ریاست جمهوری و جمع آوری پشتیبانان و حامیان، بسیار گرم است و درگرمی این تندور سیاسی هر کسی تلاش دارد تا کله ای مطابق میل و خواهش خود بپزد که به ذوق و سلیقه و اشتیاق خودش سازگار باشد ولی هیچ کسی بفر اینکه لقمه نانی برای سد جوع ملت بلا کشیده از این تندور سیاسی بیرون آورد، نیست.

با نظری بر فهرست کاندیدان و معاونان شان دیده می شود که یک تعامل و یا قانون نا نوشته بر کاندیدان ریاست جمهوری و معاونان شان حکمفرماست. اگر کاندید ریاست جمهوری پشتون است یکی از معاونین تاجک و دیگری از بک و یا هزاره است و اگر کاندید ریاست جمهوری تاجک است معاونین او یکی پشتون و دیگری هزاره و یا لا اقل شیعه مذهب یا هم از بک است. یعنی اینکه درین تصامیم عامل قومی و مذهبی نقش تعیین کننده دارد تا یک مشی ملی و یا برنامه ای که دیدگاه کاندید و یا کاندیدان را برای آینده کشور به نفع تمام اقوام و عشایر بحیث اجزای یک ملت واحد توضیح نماید. درست است که چون تا هنوز احزاب سیاسی به معنی واقعی آن در افغانستان تشکیل نشده و تعدادی از کاندیدان گرچه منسوب به بعضی تنظیم ها هستند ولی مشی حزبی شانرا هم اعلام نمی کنند و کوشش دارند خود را مستقل نشان بدهند. مثل قطب الدین هلال معاون حزب اسلامی حکمتیار که از ارتباط با حکمتیار انکار می ورزد ولی:

من از طرز خرامت می شناسم

به هر رنگی که خواهی جامه می پوش

و تعدادی هم بدون اینکه نامی از تنظیم شان ببرند یا بحیث کاندید ریاست جمهوری و یا هم معاون ثبت نام کرده اند. نقش اقوام و مذاهب را بجای طرح و مشی ملی برای آینده افغانستان، حتی در طرز لباس و بیانات و مظاهر کاندیدان هم در هنگام ثبت نام می توان مشاهده نمود. یکی را با دستار و پتو و تسبیح مشاهده می کنید که هیچگاهی او را با چنان ظاهری قبلاً ندیده بودید، و دیگری با لباس های که میراث دوره مهاجرت در یکی از کشورهای همسایه است. یکی با شعارهای دوره جهاد داخل معرکه می گردد و دیگری با تاکید بر ارزش های زبانی و قومی و شعایر سمتی و منطوقی. آنچه که درین معرکه نمی توان دید همان اراده شعارهای ملی و مشی و طرح برنامه های ملی برای نجات افغانستان از بحران فعلی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی است. شاید گفته شود که هنوز قبل از وقت است تا چنین مشی اعلام گردد ولی به جز یکی دو مورد که شنیده شده یکی خواهان تغییر قانون اساسی و نظام ریاستی به حکومت پارلمانیست و دیگری خواهان نظام فدرالی، از دیگران حرفی شنیده نشده است. همه کاندیدان به نحوی آشکار، ولی نا گفته، بر فکتور های قومی، منطوقی، سمتی، مذهبی و زبانی تاکید می دارند و این فکتور ها را در لباس، زبان، مظاهر و گفتار شان تبارز میدهند و هنوز هم فکر می کنند که وحدت ملی را می توانند با گماشتن و یا انتخاب یکی از این اقوام به یک سمت میتوان تمثیل نمود، راه رفته و بی ثمری که سالهاست تجربه شده و نتیجه نداده است. ملت را منافع مشترک مردم آن به هم نزدیک می سازد نه تیکه داران و بهره کشان سیاسی منسوب به گروه ها و اقوام.

تا جائیکه دیده می شود این ترکیب قومی و نژادی در کاندیدان بیشتر بر جنبه توافق برکسب امتیازات پایه گذاری شده و هر یکی خواسته با پیوستن به کاندید ریاست جمهوری امتیاز بیشتری بگیرد چنانچه وقتی جنرال دوستم از " اتحاد برای انتخابات " خارج شد گفت شرط ما اینست که مقام اول ریاست جمهوری را هر کاندیدی که برای ما بدهد با او ائتلاف خواهیم کرد. چنانچه دیده شد این مقام را با کاندید دیگر ریاست جمهوری بدست آورد. لذا معیار توافق معاونین با کاندیدان ریاست جمهوری کسب امتیازات سیاسی و مقام بوده است نه خدمت به مردم. از هیچ یکی از این معاونین شنیدیم که بگوید چون مشی و پلان کار این و یا آن کاندید ریاست جمهوری (اگر داشته باشد) به نفع مردم بود به آن پیوسته است.

د پائو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنی دلیکنی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

جای تعجب اینجاست که تحصیل کردگان و آنانیکه در قطار دانشمندان افغان محسوب می شوند هم تحت تاثیر روش ها و معیارهای ظاهری قرار گرفته و بجای آنکه هرچه که هستند، باشند با پیروی از عقب گرد فرهنگی، برای جلب حمایت و توجه، در غلاف قبیله‌ی در آمده اند. بخاطر دارم که یکی از اشخاص مطرح و یک قوماندان بنام جهادی که اکنون نیز یکی از کاندیدان معاونیت ریاست جمهوری است می گفت "بالاخره توانستیم فرهنگ ده را بر شهرها حاکم سازیم" و اخیراً ملا وکیل احمد متوکل وزیر خارجه طالبان در مصاحبه ای گفت:

«طالبان با فرهنگ دهاتی به شهرها آمدند و اشتباهاتی مرتکب شدند. این دو فرهنگ بسیار متفاوت است.» جالب اینجاست که حتی طالب اعتراف می کند که تطبیق فرهنگ ده بر شهر اشتباه بود ولی امروز کاندیدان تحصیل کرده ریاست جمهوری و معاونان شان سعی دارند اشتباه طالب را تکرار کنند آنها هم صرف برای اینکه رأی جمع آوری کنند. اشتباه نشود که هدف نا چیز شمردن فرهنگ ده است. هر فرهنگ ارزش ها و معیارهای جامعه را نشان میدهد که مردم همان محل و مکان به آن پایبند هستند و با ارزش هم هست و مطابق به تفکر و طرز زندگی آنهاست و جزئی از فرهنگ ملی مرکب از فرهنگ های تمام اقوام و عشایر و قبیله ها و تبارها و قابل احترام است. اما نمی توان ارزش های فرهنگی یک منطقه و قبیله را بر تمام یک ملت به زور تحمیل نمود که در آن صورت نه تنها با عکس العمل مواجه خواهد شد بلکه شیرازه اتحاد و اتفاق یک ملت را نیز صدمه خواهد زد.

درین روزها به درخواست حضرت صبغت الله مجددی یک هیأت مرکب از پانزده کاندید تعیین گردیده تا تعداد کاندیدین را از بیست و شش نفر به چهار کاندید تقلیل دهد تا در ظاهر از یک بحران سیاسی و سردرگمی رأی دهندگان جلوگیری شده باشد. نظر بسیار خوب است و حتی چند ماه قبل از فرا رسیدن موعد ثبت نام کاندیدان هم نظر مشابهی زیر نام "اجماع ملی" مطرح گردید تا کاندیدان محدودی با توافق روی یک مشی ملی ثبت نام نمایند. ولی نشست ها و اجتماعات و ائتلاف ها و کنفرانس هایی که دایر گردید توقعات و جاه طلبی ها بدست آوردن امتیازات سیاسی و حصول مقام های دولتی این اجتماعات را بی نتیجه ساخت و باز هم تعدد کاندیدان گویا مشکل را شده است. اما تشکیل هیأت و یا جرگه جدید ناشی از هراسی بوده می تواند که قطبی شدن انتخابات ایجاد کرده است. با نظری بر اسمای کاندیدان و معاونین شان می توان دید که به اصطلاح "جهادی ها" در یک ردیف و غیر جهادی ها چه افراد مستقل و چه تکنوکرات ها در صف دیگری قرار گرفته و درین میان معاونین آنها که بیشتر تاجک ها و از اقوام هزاره و یا هم شیعه مذهب و یا ازبک و ترکمن تبار هستند، بین کاندیدان تقسیم شده اند که به این صورت رأی اقوام و مذاهب تقسیم می شود و بیم آن می رود که هیچ یک از کاندیدان نتوانند اکثریت بیش از پنجاه در صد آرا را بدست آورد که ناگزیر انتخابات بدور دوم خواهد رفت که مصارف بیشتری را ایجاب میکند. اما چه عامل و یا عواملی می تواند که کاندیدان را قناعت بدهد تا از کاندیدای خود به نفع دیگری بگذرند؟ این نظر فرصت دیگری را برای نه تنها چانه زنی های سیاسی و بدست آوردن کرسی های مهم دولتی در آینده میسر می سازد بلکه یکی از راه های تجارت و بهره برداری مالی نیز خواهد بود. تا جائیکه تجربه نشان داده آنانیکه در دوره مقاومت علیه تجاوز قشون سرخ بر افغانستان بر سوگند اتحاد و اتفاق و امضای کلام الله شریف در مکه معظمه وفادار نماندند، در حالیکه در آن مقطع زمان نه کرسی ریاست جمهوری به مزایده گذاشته شده بود و نه کرسی های پردرآمد دیگر و بهره کشی های سیاسی، حالا چه تضمینی وجود خواهد داشت که این گروه ها به چنین توافق و تعاملی برسند. امید همه اینست تا انتخابات شفاف و بدون تقلب دایر گردد و ملت بتواند مسیر عادی حیات سیاسی خود را ببیماید ولی با تجربه که ملت افغانستان از سال های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۱ از بی اتفاقی ها، بی کفایتی های حکومت داری، جنگ های داخلی، اختناق و عقب گرائی و ویرانی های فیزیکی و روانی دارد، آیا میتواند برچنین ائتلاف های موقوت و زود گذر اعتماد نماید؟

پایان

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ